



## The Mediating Role of Coping Styles on the Relationship between Self-Esteem and Emotional Well-Being among University Students

Ali Khodaei<sup>1\*</sup> , Hanieh Sayadi<sup>2</sup> 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: [alikhodaei@pnu.ac.ir](mailto:alikhodaei@pnu.ac.ir)
2. MSc. in Cognitive Rehabilitation, Department of Cognitive Psychology, Institute of Cognitive and Brain Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: [haniehsayadi@yahoo.com](mailto:haniehsayadi@yahoo.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**

Received: 6 Oct 2021

Revised: 2 Feb 2022

Accepted: 19 Feb 2022

Published Online: 28 Sep 2023

**Keywords:**

*Coping Styles for Stressful Situations, Emotional Well-Being, Mediation Analysis, Self-Esteem.*

### ABSTRACT

The objective of this research was to investigate the manner in which coping styles mediated the association between self-esteem and emotional well-being in a sample of male and female university students. A total of 300 university students (150 male and 150 female) enrolled at Shahid Beheshti University during the initial six months of the academic year 2017-2018 participated in this correlational study. They were administered the Rosenberg' Self-Esteem Scale (RSES), and the Coping Inventory for Stressful Situations-Short Form (CISS-SF). The study employed statistical path analysis with a model-fitting approach to examine the mediating role of coping styles in the association between emotional well-being and self-esteem among university students of both genders (male and female). The partially mediated model of emotion-oriented and task-oriented coping styles on the relationship between self-esteem and emotional well-being fit the data well, according to the findings of the AMOS-20 software. Furthermore, it should be noted that every regression weight in the proposed model exhibited statistical significance. The predictors of the model comprised self-esteem, task-oriented factors, and emotion-oriented factors, which collectively explained 36% and 47% of the variance in positive and negative affect, respectively. Overall, the results of this study indicated that by enhancing the coping mechanisms of students, it is possible to elevate their level of well-being and protect them from distressing situations.

**Cite this article:** Khodaei, A., & Sayadi, H. (2023). The Mediating Role of Coping Styles on the Relationship between Self-Esteem and Emotional Well-Being among University Students. *Journal of Applied Psychological Research*, 14(3), 203-218. doi: 10.22059/japr.2023.331889.644028.



**Publisher:** University of Tehran Press

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.331889.644028>

© The Author(s).



## نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی دانشجویان

علی خدائی<sup>۱\*</sup>، حانیه صیادی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [alikhodaei@pnu.ac.ir](mailto:alikhodaei@pnu.ac.ir)  
 ۲. کارشناس ارشد توان‌بخشی شناختی، گروه روان‌شناسی شناختی، پژوهشکده علوم شناختی و مغز، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [haniehsayadi@yahoo.com](mailto:haniehsayadi@yahoo.com)

## چکیده

## اطلاعات مقاله

این پژوهش با هدف آزمون نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با تنیدگی با تنیدگی در رابطه بین عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی در دانشجویان انجام شد. در این پژوهش همستگی، از جامعه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی در نیمسال نخست سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶، تعداد ۳۰۰ دانشجو (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و به مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ، نسخه کوتاه سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا و فهرست عواطف مثبت و منفی پاسخ دادند. به‌منظور آزمون روابط علی در مدل مفروض، از روش آماری تحلیل مسیر با رویکرد برازاندن مدل استفاده شد. نتایج بر پایه نرم‌افزار AMOS-20 نشان داد مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه بین عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی در دانشجویان با داده‌ها برازش مطلوبی دارد. همچنین نتایج نشان داد در مدل مفروض، تمامی وزن‌های رگرسیونی از لحاظ آماری معنادارند و در آن به‌ترتیب ۳۶ درصد و ۴۷ درصد از واریانس عواطف مثبت و منفی از طریق عزت‌نفس و سبک‌های مقابله مسئله‌محور و هیجان‌محور تبیین شد. در مجموع، نتایج این پژوهش مشخص کرد از طریق ارتقای منابع مقابله‌ای دانشجویان می‌توان سطح بهزیستی آن‌ها را افزایش داد و آن‌ها را در برابر تجارب تنیدگی‌زا ایمن کرد.

## نوع مقاله:

پژوهشی

## تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

## کلیدواژه‌ها:

بهزیستی هیجانی، تحلیل واسطه‌ای، سبک‌های مقابله با تنیدگی، عزت‌نفس.

استناد: خدایی، ع. و صیادی، ح. (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی دانشجویان. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۴(۳)، ۲۱۸-۲۰۳. doi: 10.22059/japr.2023.331889.644028

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.331889.644028>

© نویسندگان.



## ۱. مقدمه

به‌طور کلی بهزیستی<sup>۱</sup> به‌عنوان حالتی از کنش‌وری روان‌شناختی بهینه<sup>۲</sup> مفهوم‌سازی می‌شود (بریدین، فیلد و فرانسیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). بهزیستی ذهنی نیز که بر اثر عوامل مختلف بر کیفیت زندگی تأکید می‌کند، اساساً ناظر بر این دغدغه است که افراد چگونه شرایط و تجارب خود را تفسیر و ادراک می‌کنند (داینر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی بیانگر ارزیابی‌های شناختی و هیجانی فرد درباره زندگی خویش است (داینر، لوکاس و ایشی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). به‌طور کلی، ارزشیابی‌های شناختی به آنچه فرد درباره رضامندی از زندگی خود می‌اندیشد و وجه عاطفی نیز به تجارب هیجانی مثبت یا منفی فرد اشاره می‌کند (داینر، اینگلهارت و تای<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). دانشجویان در دوران تحصیل در مسیر پاسخ‌دهی به مطالبات زندگی تحصیلی با فشارهای زیادی مواجه می‌شوند که با برانگیختن تجارب هیجانی منفی در آن‌ها، سطح بهزیستی دانشجویان را به چالش می‌کشاند (شکری و پورشهریار، ۱۳۹۸؛ اختر و کرانیر-هرویگ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). براساس شواهد، اگرچه مواجهه با ناکامی در دوران دانشجویی گریزناپذیر است، افت در کنش‌وری بهینه روانی در همه آن‌ها ضرورتاً به یک اندازه نیست. به بیان دیگر، براساس مبانی نظری و تجربی، بخشی از تمایز یافتگی در پساندهای<sup>۸</sup> چندگانه رویارویی با تجارب انگیزاننده در دانشجویان، از طریق تمایز در نیمرخ توانش‌های مقابله‌ای<sup>۹</sup> آن‌ها قابل توضیح است (چانگ و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰). در نظریه فرایندی مقابله<sup>۱۱</sup> (لازاروس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶) تأکید می‌شود که تمایز در نیمرخ توانشی افراد در بستر سازوکارهای علی واسطه‌ای<sup>۱۳</sup> سبب تفاوت در پساندها<sup>۱۴</sup> می‌شود. براساس آموزه‌های برآمده از نظریه فرایندی مقابله<sup>۱۵</sup>، فهم‌پذیری تمایز یافتگی در پساندهای مواجهه با تجارب فشارزا، با رجوع به منطقی فرایندی ممکن می‌شود. در این منطبق مفهومی فرایندی‌نگر، فهم‌پذیری پیوند علی بین پیشایندها<sup>۱۶</sup> و پساندها، در بستر اطلاعاتی سازوکارهای علی واسطه‌ای معنا می‌یابد. براین‌اساس، محققان در پژوهش حاضر با تاسی به آموزه‌های مفهومی رویکرد فرایندی مقابله در رابطه علی بین عزت‌نفس<sup>۱۷</sup> و بهزیستی هیجانی<sup>۱۸</sup> دانشجویان، بر نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با تنیدگی تأکید می‌کنند.

مرور شواهد نظری و تجربی نشان می‌دهد یکی از عناصر پیشاینندی توضیح‌دهنده پراکنش در پساندهای رویارویی با تجارب تنیدگی‌زا در دانشجویان، عزت‌نفس نام دارد (براندو-گاریدا و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۲۰). براساس برخی صورت‌بندی‌های مفهومی مانند نظریه خودارزشمندی<sup>۲۰</sup> (کاوینگتن<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۹) و نظریه خودتعیین‌گری<sup>۲۲</sup> (دیسی و رایان<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۸؛ رایان و دیسی، ۲۰۲۰)، قضاوت‌های ارزشیابانه افراد درباره خود، در شکل‌دهی به کنش‌وری روان‌شناختی آن‌ها در موقعیت‌های پیشرفت از نقش عمده‌ای برخوردار است (نواک و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۲۰۲۱). قرابت معنایی سازه عزت‌نفس با احساس شایستگی فردی در نظریه خودتعیین‌گری (دیسی و رایان، ۲۰۰۸؛ رایان و دیسی، ۲۰۲۰) و همچنین نقش انکارناپذیر آن به‌عنوان هسته سازه خودارزشمندی در نظریه

1. Well-being
2. optimal psychological functioning
3. Bryden, Field, & Francis
4. Diener
5. Diener, Lucas, & Oishi
6. Diener, Inglehart, & Tay
7. Akhtar & Kroener-Herwig
8. consequences
9. coping capacities
10. Chang et al.
11. coping process theory
12. Lazarus
13. mediating causal mechanisms
14. consequences
15. coping process model
16. antecedents
17. self-esteem
18. emotional well-being
19. Brando-Garrido et al.
20. self-worth theory
21. Covington
22. self-determination theory
23. Deci & Ryan
24. Novak et al.

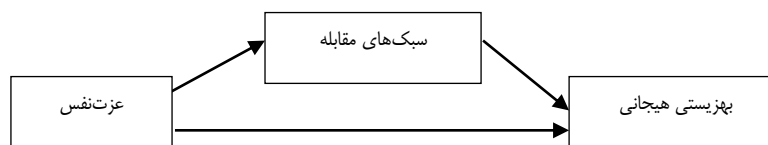
کاوینگتن (۲۰۰۹)، مفهوم عزت‌نفس را در پیش‌بینی بهزیستی هیجانی یادگیرندگان در متن رویارویی با تجارب انگیزاننده پیشرفت تحصیلی معنا می‌کند (یلدریم و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷؛ نی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). براساس مواضع مفهومی رویکرد فرایندی مقابله، یکی از اساسی‌ترین معابر مفهومی ناظر بر پیوند علی عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی یادگیرندگان، مبتنی بر ویژگی‌های کارکردی و سازوکار سبک‌های مقابله است (بارندریگت و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

مقابله تلاش‌هایی شناختی و رفتاری است که فرد از آن‌ها برای مدیریت موقعیت‌های ارزیابی‌شده فراتر از منابع خود به‌کار می‌برد (پدی، مانتیرا و چیلی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). در پیشینه پژوهش، بر تمایز بین مقابله گرایشی<sup>۵</sup> و موقعیتی<sup>۶</sup> تأکید می‌شود (ایوانس، مارتین و ایوسویک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). محققان علاقه‌مند به نظریه‌های مقابله گرایشی یادآوری می‌کنند که شیوه‌های ارجح مقابله، خصیصه‌ای شخصیتی هستند که افراد از آن‌ها در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی استفاده می‌کنند. طبق این دیدگاه، افراد به هر موقعیت به‌عنوان یک بافت اطلاعاتی جدید نمی‌نگرند، بلکه از مجموعه‌ای از راهبردهای مقابله‌ای که در طول زمان و در موقعیت‌های مختلف ثابت هستند، استفاده می‌کنند (چن<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶). در مقابل، در دیدگاه بافتاری، مفهوم مقابله نه به‌عنوان یک رگه شخصیتی که اساساً به‌عنوان یک ویژگی حالتی، برحسب ارزیابی افراد از سرنخ‌های بافتاری، از بافت به بافت دیگر دچار تغییر می‌شود (وانستونی و هیکس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۹). در این پژوهش، محققان به کمک مدل پیشنهادی اندلر و پارکر<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۵) بر تمایز بین سبک‌های مقابله مسئله‌محور<sup>۱۱</sup>، هیجان‌محور<sup>۱۲</sup> و اجتنابی<sup>۱۳</sup> تأکید کردند. براساس منطق پیشنهادی آن‌ها، سبک مقابله مسئله‌محور بیانگر راهبردهای مورد استفاده برای حل مسئله، بازمفهوم‌سازی آن و کاستن از اثرات منفی آن است. در مقابله مسئله‌محور، فرد با شرایط فشارزا روبه‌رو می‌شود. در مقابل، سبک مقابله هیجان‌محور بیانگر راهبردهایی ناظر بر پاسخ‌های هیجانی<sup>۱۴</sup>، خوداشتغالی ذهنی<sup>۱۵</sup> و واکنش‌های خیال‌پردازانه<sup>۱۶</sup> است (دیجیک و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۹). طبق دیدگاه اندلر و پارکر (۲۰۱۵) در غالب مدل‌های مفهومی ناظر بر مقابله، وجه مقابله اجتنابی نیز بر شمول هم‌زمان راهبردهای مقابله مسئله‌محور و هیجان‌محور دلالت دارد. مقابله اجتنابی مسئله‌محور، ناظر بر حواس‌پرتی<sup>۱۸</sup> یا اجتناب از موقعیت تنیدگی‌زا از طریق انجام فعالیت‌های جایگزینی مانند تماشای تلویزیون است و مقابله اجتنابی اجتماع‌محور، پرهیز از رویارویی با تکلیف موقعیت تنیدگی‌زا از طریق نزدیک شدن به افراد دیگر است. براین اساس، در شیوه مقابله اجتنابی، فرد می‌کوشد به‌جای رویارویی با تکلیف موقعیت تنیدگی‌زا، برای آن تکلیف به دنبال یک جایگزین باشد (سانجان و آویلا<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۹). مرور نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد محققان مختلف کوشیده‌اند نقش تبیینی سبک‌های مقابله را در میان دانش‌آموزان و دانشجویان مطالعه کنند تا پراکندگی نمرات بهزیستی هیجانی در رویارویی با تجارب تنیدگی‌زا مشخص شود (مجبی، شکری و پورشهریار، ۱۳۹۷؛ هوانگ و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۲۱؛ مایان-بیلیک و دیمیر<sup>۲۱</sup>، ۲۰۲۰؛ کابراس و ماندا<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۸؛ چن، ۲۰۱۶).

1. Yıldırım et al.
2. Ni et al.
3. Barendregt et al.
4. Padhy, Monteiro, & Chelli
5. approach-oriented
6. contextual
7. Evans, Martin, & Ivcevic
8. Chen
9. Vanstone & Hicks
10. Endler & Parker
11. task-oriented coping
12. emotion-oriented coping
13. avoidance coping
14. emotional responses
15. self-preoccupation
16. fantasizing reactions
17. Dijk et al.
18. distraction
19. Sanjuán & Ávila
20. Huang et al.
21. Muyan-Yılık & Demir
22. Cabras & Mondo

در پژوهش مویان-بیلیک و دمیر (۲۰۲۰) که با هدف پیش‌بینی بهزیستی ذهنی از طریق امید‌گرایی، انعطاف‌پذیری شناختی<sup>۱</sup> و راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان ترکی انجام گرفت، نتایج مدلیابی معادله ساختاری نشان داد ۵۷ درصد از واریانس نمرات بهزیستی از طریق متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود. مطابق نتایج، اثرات مستقیم امید‌گرایی، مقابله اجتنابی ناظر بر هیجان‌محوری و جست‌وجوی حمایت اجتماعی، از نظر آماری معنادار است. علاوه‌براین، مدل علی واسطه‌مندی نسبی<sup>۲</sup> راهبردهای مقابله در رابطه بین امید‌گرایی و انعطاف‌پذیری شناختی با بهزیستی ذهنی به‌طور تجربی تأیید شد. در پژوهش کابراس و ماندا (۲۰۱۸) با هدف بررسی اثر عوامل جمعیت‌شناختی جنس و سن بر سبک‌های مقابله با تنیدگی، خوش‌بینی و رضامندی از زندگی -به‌عنوان نشانگر شناختی بهزیستی ذهنی- در بین گروهی از دانشجویان، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد عوامل جمعیت‌شناختی از نظر آماری معنادار است. در بخش دیگری، مشخص شد رضایت‌مندی از زندگی، با سبک‌های مقابله و خوش‌بینی دارای رابطه مستقیم است. در پژوهش اختر و کرانیر-هرویگ (۲۰۱۹) که با هدف تبیین بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان متعلق به گروه‌های فرهنگی مختلف از طریق سبک‌های مقابله انجام گرفت، نتایج مشخص کرد عضویت فرهنگی دانشجویان، سبک‌های مقابله آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با سبک‌های مقابله می‌توان پراکندگی نمرات بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را در بافت‌های فرهنگی مختلف توجیه کرد.

به‌طور کلی با توجه دغدغه مدل‌فرآیندی مقابله (لازاروس، ۲۰۰۶)، در پژوهش حاضر، به‌منظور تصریح تمایز یافتگی در پساایندهای مواجهه با تجارب تنیدگی‌زا، نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه بین قضاوت‌های خودارزشیابانه دانشجویان و بهزیستی هیجانی آن‌ها آزمون می‌شود. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر به کمک آموزه‌های مدل فرآیندی مقابله، سازوکار واسطه‌ای شیوه‌های مواجهه دانشجویان را با تجارب تنیدگی‌زا مطالعه می‌کنیم تا از طریق قضاوت‌های خودارزشیابانه دانشجویان، بهزیستی هیجانی آن‌ها را پیش‌بینی کنیم (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## ۲. روش

### ۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی در نیمسال نخست سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند. نمونه مطالعه شامل ۳۰۰ دانشجو (۱۵۰ پسر و ۱۵۰ دختر) هستند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان به دانشکده‌های مختلف دانشگاه شهید بهشتی مراجعه کردیم و پس از ارائه توضیحی مختصر درباره هدف پژوهش، از بین دانشجویان حاضر در فضای دانشکده و کتابخانه‌های هریک از دانشکده‌ها، از دانشجویان تقاضا کردیم به ماده‌های بسته سنجش پاسخ دهند. تنها ملاک ورود به پژوهش این بود که دانشجوی کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی باشند. عدم پاسخ‌دهی به بیش از پنج درصد کل ماده‌های بسته سنجش نیز تنها ملاک خروج مشارکت‌کنندگان بود. براساس دیدگاه کامری و لی<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) به نقل از میرز، گامست و گارینو<sup>۴</sup>، (۲۰۱۶) به‌منظور تأمین ملاک بسندگی حجم نمونه برای آزمون مدل علی مفروض، نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ مشارکت‌کننده انتخاب شدند. در مرحله غربالگری داده‌ها، هیچ‌یک از مشارکت‌کنندگان از تحلیل حذف نشدند.

1. cognitive flexibility

2. partially mediated model

3. Comery, A. L. & Lee, H. B.

4. Meyers, Gamst, & Guarino

## ۲-۲. ابزارهای پژوهش

۲-۲-۱. مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ<sup>۱</sup> (RSES)

روزنبرگ (۱۹۶۵) با هدف سنجش قضاوت‌های خودارزشیابانه افراد درباره خود، مقیاس عزت‌نفس را ارائه داد. در نسخه ده‌ماده‌ای مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ، از مشارکت‌کنندگان تقاضا می‌شود روی یک طیف چهاردرجه‌ای از کاملاً موافق (۴) تا کاملاً مخالف (۱) به هریک از گویه‌ها پاسخ دهند. در مقیاس ده‌ماده‌ای، با افزایش نمره افراد، نمره قضاوت‌های خودارزشیابانه آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. نتایج مطالعات مختلف، مختصات فنی روایی و پایایی نسخه فارسی و انگلیسی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ را به‌طور تجربی تأیید کرده‌اند (رجبی و بهلول، ۱۳۸۶؛ بای، بیناتوبو، ندیف، بنیما و بنفیلالی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). در مطالعه رجبی و بهلول (۱۳۸۶) نتایج ضرایب همسانی درونی ماده‌های نسخه ده‌ماده‌ای مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ برای کل نمونه دانشجویان و سپس دانشجویان پسر و دختر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۷ و ۰/۸۰ به دست آمد. در این مطالعه، ضرایب همبستگی بین هریک از ماده‌های مقیاس با نمره کل ماده‌ها از ۰/۵۶ تا ۰/۷۲ متغیر به دست آمد که همه آن ضرایب در سطح ۰/۰۰۱ از لحاظ آماری معنادارند. در پژوهش رجبی و بهلول (۱۳۸۶) نتایج تحلیل عاملی به روش عامل‌یابی محور اصلی و به کمک چرخش پرومکس نشان داد ساختار عاملی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ، از دو عامل صلاحیت و شایستگی شخصی و رضایتمندی از خود تشکیل شده است. علاوه بر این، الگوی پراکندگی مشترک بین مقیاس عزت‌نفس با مقیاس وسواس مرگ به‌طور تجربی، روایی و اگرای مقیاس را تأیید کرد. در پژوهش بای و همکاران (۲۰۲۲) نیز نتایج روایی عاملی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ، ساختار دو عاملی آن را به‌طور تجربی تأیید کرد. در پژوهش بای و همکاران، ضرایب پایایی مرکب<sup>۳</sup> مدل دو عاملی برای وجوه منفی و مثبت به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۰ محاسبه شد. در مطالعه حاضر، ضریب همسانی عامل کلی عزت‌نفس روزنبرگ ۰/۷۲ به دست آمد.

۲-۲-۲. فهرست عواطف مثبت و منفی<sup>۴</sup> (PANAS)

به‌منظور بررسی بعد عاطفی بهزیستی ذهنی براساس فهرست عواطف مثبت و منفی (واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸) از صفت‌های خلقی بیست‌تایی استفاده شد. گویه‌های PANAS هیجان‌ها و احساسات مختلفی را توصیف می‌کنند و هریک در یک مقیاس عواطف مثبت یا عواطف منفی گروه‌بندی می‌شوند. شرکت‌کنندگان تمام گویه‌ها را روی مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. در این طیف، عدد یک نشان‌دهنده نداشتن تجربه هیجان و عدد ۵ بیانگر تجارب بسیار زیاد هیجان است. برای هر آزمودنی، نمره کلی عاطفه مثبت از طریق جمع نمره‌های شرکت‌کننده در هریک از ده صفت توصیفگر هیجان‌های مثبت شامل علاقه‌مند<sup>۵</sup>، هیجان‌زده<sup>۶</sup>، نیرومند<sup>۷</sup>، مشتاق<sup>۸</sup>، سربلند<sup>۹</sup>، هوشیار<sup>۱۰</sup>، خوش‌ذوق<sup>۱۱</sup>، مصمم<sup>۱۲</sup>، متوجه<sup>۱۳</sup> و فعال<sup>۱۴</sup> محاسبه می‌شود و نمره کلی عاطفه منفی، با جمع نمره‌های شرکت‌کننده در هریک از ده صفت توصیفگر هیجان‌های منفی شامل پریشان<sup>۱۵</sup>، ناراحت<sup>۱۶</sup>، گناهکار<sup>۱۷</sup>، وحشت‌زده<sup>۱۸</sup>، متخاصم<sup>۱۹</sup>، تحریک‌پذیر<sup>۲۰</sup>، شرمسار<sup>۱</sup>، عصبی<sup>۲</sup>، بی‌قرار<sup>۳</sup> و ترسان<sup>۴</sup> به دست می‌آید. در مطالعه واتسون،

1. Rosenberg' Self-Esteem Scale
2. Bouih, Benattabou, Nadif, Benhima, & Benfilali
3. composite reliability
4. Positive and Negative Affect Schedule (PANAS)
5. interested
6. excited
7. strong
8. enthusiastic
9. proud
10. alert
11. inspired
12. determined
13. attentive
14. active
15. distressed
16. upset
17. guilty
18. scared
19. hostile
20. irritable

کلارک و تلگن (۱۹۸۸) با روایی یابی عاملی فهرست عواطف مثبت و منفی، ساختاری مشتمل بر دو عامل به طور تجربی تأیید شد. در پژوهش واتسون، کلارک و تلگن (۱۹۸۸) ضرایب همسانی درونی عواطف مثبت و منفی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۵ به دست آمد. در مطالعه شگری، گودرزی و شریفی (۱۳۹۳) که با هدف آزمون تغییرناپذیری عاملی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی در دانشجویان دختر و پسر انجام گرفت، نتایج تحلیل‌های گروهی منفرد در دو جنس نشان داد الگوی اندازه‌گیری دو عاملی مشتمل بر عواطف مثبت و منفی با داده‌ها برازش قابل‌قبولی را نشان دادند. علاوه بر این، در مطالعه شگری، گودرزی و شریفی (۱۳۹۳) بر اساس الگوی دو عاملی، نتایج تحلیل چندگروهی مشخص کرد در نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی، مشخصه تغییرناپذیری عاملی در دو جنس شامل تغییرناپذیری باقی‌مانده‌های اندازه‌گیری، کوواریانس‌های ساختاری و وزن‌های اندازه‌گیری است. شگری، گودرزی و شریفی (۱۳۹۳) ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های فهرست عواطف مثبت و منفی را به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۱ به دست آوردند. در مطالعه حاضر، ضرایب همسانی درونی مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۴ محاسبه شد.

### ۲-۳. نسخه کوتاه سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی<sup>۵</sup> (CISS-SF)

اندلر و پارکر (۱۹۹۹) با هدف تأکید بر مواضع فکری رویکرد بافت‌محور در قلمرو مطالعاتی سبک‌های مقابله، نسخه تجدیدنظرشده سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا-نسخه مقابله خاص موقعیت را با شمول ۲۱ ماده و تخصیص ۷ ماده به هریک از سه زیرمقیاس مقابله مسئله‌محور، مقابله هیجان‌محور و مقابله اجتنابی ارائه کردند. در سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا-نسخه مقابله خاص موقعیت، از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود بر اساس یک رخداد تنیدگی‌زای مشخص به ماده‌های نسخه تجدیدنظرشده روی طیفی پنج‌درجه‌ای از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) پاسخ دهند. مطالعات مختلف به‌طور تجربی، مشخصه‌های فنی روایی و پایایی نسخه کوتاه سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا را تأیید کرده‌اند (اندلر و پارکر، ۱۹۹۹؛ بویسان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ کالسیک و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶؛ محبی، شگری و خدایی، ۱۳۹۹). در پژوهش محبی، شگری و خدایی (۱۳۹۹) نتایج تحلیل عاملی تأییدی نسخه کوتاه سیاهه مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا، ساختار سه‌عاملی سیاهه شامل مقابله مسئله‌محور، مقابله هیجان‌محور و مقابله اجتنابی را به‌طور تجربی تأیید کرد. در این مطالعه، ضرایب همسانی درونی سه زیرمقیاس مقابله مسئله‌محور، مقابله هیجان‌محور و مقابله اجتنابی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر، برای آزمون روابط علی در مدل پیشنهادی، از روش آماری تحلیل مسیر با رویکرد برازاندن مدل استفاده شد.

### ۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل داده‌ها به روش آماری تحلیل مسیر با رویکرد برازاندن مدل صورت گرفت. روش آماری تحلیل مسیر با رویکرد برازاندن مدل، برای توصیف مدلی علی به کار می‌رود که شامل مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده‌شده است. نسخه ۲۰ نرم‌افزار آماری AMOS نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

### ۳. یافته‌ها

#### ۳-۱. توصیف جمعیت‌شناختی

در این پژوهش، ۳۰۰ دانشجوی کارشناسی ۱۵۰ مرد (با میانگین ۲۱/۱۳ و انحراف استاندارد ۲/۴۵) و ۱۵۰ زن (با میانگین ۲۱/۴۹ و انحراف استاندارد ۲/۶۱) مشارکت کردند. در بین مشارکت‌کنندگان، ۵۵ دانشجو از دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴۹

1. ashamed
2. nervous
3. jittery
4. afraid
5. Coping Inventory for Stressful Situations-Short Form (CISS-SF)
6. Endler & Parker
7. Boysan
8. Calsbeek et al.

دانشجو از دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۲۹ دانشجو از دانشکده حقوق، ۵۸ دانشجو از دانشکده مهندسی برق، ۵۱ دانشجو از دانشکده علوم ورزشی و ۵۸ دانشجو از علوم ریاضی بودند.

### ۳-۲. توصیف شاخص‌ها

جدول ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش شامل عزت‌نفس، سبک‌های مقابله و عواطف مثبت و منفی را در دانشجویان نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
عزت‌نفس	۱۰	۲۰	۱۷/۶۱	۲/۴۱	-۰/۹۸	۰/۴۰
مقابله مسئله‌محور	۱۰	۳۵	۲۵/۴۶	۴/۵۹	-۰/۳۷	۰/۱۷
مقابله هیجان‌محور	۹	۳۴	۲۲/۷۴	۴/۹۲	-۰/۲۰	-۰/۲۸
مقابله اجتنابی	۷	۳۳	۲۱/۴۴	۵/۶۳	-۰/۳۱	-۰/۴۴
عواطف مثبت	۱۰	۵۰	۳۵/۱۰	۶/۹۰	-۰/۳۹	۰/۴۲
عواطف منفی	۱۰	۴۷	۲۴/۹۱	۷/۳۵	۰/۲۶	-۰/۳۴

نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد رابطه بین عزت‌نفس با سبک مقابله مسئله‌محور و عاطفه مثبت، مثبت و معنادار و با سبک‌های مقابله هیجان‌محور و اجتنابی و همچنین عاطفه منفی، منفی و معنادار است. علاوه بر این، براساس نتایج، رابطه سبک مقابله مسئله‌محور با عاطفه مثبت، مثبت و معنادار و با عاطفه منفی، منفی و معنادار است. رابطه بین سبک مقابله هیجان‌محور با عاطفه مثبت، منفی و معنادار و با عاطفه منفی، مثبت و معنادار است. در نهایت، رابطه بین سبک مقابله اجتنابی با عاطفه منفی، مثبت و غیرمعنادار و با عاطفه مثبت، منفی و غیرمعنادار است (جدول ۲).

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

عزت‌نفس	مقابله مسئله‌محور	مقابله هیجان‌محور	مقابله اجتنابی	عاطفه مثبت	عاطفه منفی
۱	۰/۲۳**	-۰/۴۹**	-۰/۱۵*	۰/۴۶**	-۰/۵۶**
	۱	-۰/۱۳*	۰/۲۵**	۰/۴۴**	-۰/۱۹**
		۱	۰/۱۳*	-۰/۲۸**	۰/۵۹**
			۱	-۰/۰۵	۰/۰۶
				۱	-۰/۲۸**
					۱

\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

### ۳-۳. بررسی مفروضه‌های تحلیل مسیر

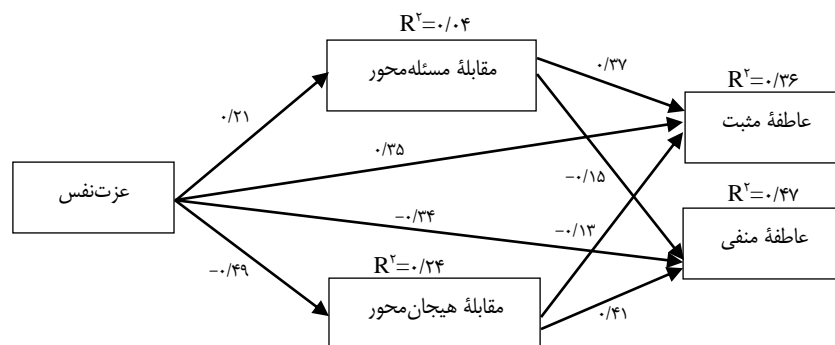
در این پژوهش، قبل از تحلیل داده‌ها به روش آماری تحلیل مسیر با رویکرد برازاندن مدل، همسو با پیشنهاد کلاین<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) و میرز، گامست و گارینو (۲۰۱۶) مفروضه‌های بهنجاری تک‌متغیری به کمک برآورد مقادیر چولگی و کشیدگی، بهنجاری چندمتغیری<sup>۲</sup> به کمک ضریب مردیا<sup>۳</sup>، و مقادیر پرت به روش فاصله ماهالانوبیس<sup>۴</sup> آزمون و تأیید شدند. علاوه بر این، در این پژوهش نتایج پراکندگی مشترک بین متغیرهای مشاهده‌شده نشان داد مفروضه‌های خطی بودن و هم‌خطی چندگانه رعایت شده است. در نهایت در این پژوهش، به منظور مدیریت داده‌های گم‌شده از روش بیشینه انتظار<sup>۵</sup> استفاده شد. علاوه بر این، برآورد مدل به روش بیشینه درست‌نمایی<sup>۶</sup> انجام گرفت.

1. Kline
2. multivariate normality
3. Mardia's coefficient
4. Mahalanobis distance
5. expectation maximization
6. maximum likelihood



## ۳-۴. آزمون مدل

در این بخش، به منظور آزمون مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه بین عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی دانشجویان، از روش آماری تحلیل مسیر استفاده شد. در این بخش، با توجه به پیش‌بینی ناپذیری مقادیر متغیرهای عواطف مثبت و منفی از طریق سبک مقابله اجتنابی و همچنین پیچیدگی ناموجه مدل پیشنهادی و دغدغه مندی درباره تأثیرگذاری این زوائد اطلاعاتی بر برزندگی مدل پیشنهادی با داده‌ها، از ورود این منبع اطلاعاتی غیرمؤثر به مدل جلوگیری شد؛ بنابراین، محققان با رجوع به سوابق اطلاعاتی، تبیین ناپذیری متغیرهای وابسته را از طریق سبک مقابله اجتنابی توضیح می‌دهند، اما پیچیدگی غیرضروری در توسعه و آزمون مدل‌های علی، با توجه به حجم نوشتار، سبب می‌شود این متغیر از مدل پیشنهادی حذف شود. براین اساس، در این بخش، مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله هیجان‌محور و مسئله‌محور در رابطه بین عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی دانشجویان آزمون شد (شکل ۲).



شکل ۲. مدل مفروض رابطه واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله در رابطه عزت‌نفس و عواطف مثبت و منفی

شکل ۲ مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله مسئله‌محور و هیجان‌محور را در رابطه بین عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی دانشجویان نشان می‌دهد. در این مدل، ۴ درصد از پراکندگی نمرات سبک مقابله هیجان‌محور از طریق عزت‌نفس تبیین شد (شکل ۲). علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد در مدل مفروض، ۳۶ درصد از پراکندگی نمرات عاطفه مثبت و ۴۷ درصد از پراکندگی نمرات عاطفه منفی، از طریق عزت‌نفس و سبک‌های مقابله هیجان‌محور و مسئله‌محور، پیش‌بینی شده است (شکل ۲). در مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی، تمامی ضرایب مسیر بین متغیرهای مشاهده‌شده از لحاظ آماری معنادارند. در این مدل مفروض، رابطه بین عزت‌نفس با سبک مقابله مسئله‌محور و عاطفه مثبت، مثبت و معنادار و با مقابله هیجان‌محور و عاطفه منفی، منفی و معنادار است. به علاوه، رابطه بین سبک مقابله مسئله‌محور با عاطفه مثبت، مثبت و معنادار و با عاطفه منفی، منفی و معنادار است. رابطه بین سبک مقابله هیجان‌محور با عاطفه منفی، مثبت و معنادار و با عاطفه مثبت نیز منفی و معنادار است (شکل ۲).

براساس مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی، با استفاده از روش بوت‌استرپ، اثر غیرمستقیم عزت‌نفس بر عاطفه مثبت از طریق سبک مقابله مسئله‌محور و هیجان‌محور به ترتیب ۰/۰۸ و ۰/۰۷ و اثر غیرمستقیم عزت‌نفس بر عاطفه منفی از طریق سبک مقابله مسئله‌محور و هیجان‌محور به ترتیب ۰/۲۰- و ۰/۰۵- به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار است ( $P < 0.05$ ).

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	$\chi^2/df$	df	$\chi^2$
۰/۰۰۰۱	۱	۰/۹۹۴	۰/۹۹۹	۰/۲۸	۲	۰/۵۶

شاخص‌های برازش مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه بین عزت‌نفس و بهزیستی هیجانی در دانشجویان برای هر یک از شاخص‌های پیشنهادی میرز، گامست و گارینو (۲۰۱۶) محاسبه شد. شاخص مجذور خی<sup>۲</sup>

$(\chi^2)$ ، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص برازش مقایسه ای<sup>۱</sup> (CFI)، شاخص نیکویی برازش<sup>۲</sup> (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی<sup>۳</sup> (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب<sup>۴</sup> (RMSEA) به ترتیب ۰/۹۹۴، ۰/۹۹۹، ۱، ۰/۲۸، ۰/۵۶ (جدول ۳).

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آزمون مدل مفروض واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله با تنیدگی در رابطه عزت نفس و بهزیستی هیجانی دانشجویان انجام گرفت. یافته‌ها همسو با مواضع مفهومی مدل فرایندی مقابله (لازاروس، ۲۰۰۶) نشان داد مدل علی واسطه‌مندی نسبی سبک‌های مقابله، با تنیدگی در رابطه قضاوت‌های ارزشیابانه دانشجویان و بهزیستی هیجانی آن‌ها با داده‌ها برازش مطلوبی دارد. به بیان دیگر، مطابق نتایج، اثر غیرمستقیم عزت نفس بر بهزیستی هیجانی دانشجویان از طریق سبک‌های مقابله مسئله‌محور و هیجان‌محور معنادار و از طریق سبک مقابله اجتنابی، غیرمعنادار است.

در بخش نخست، نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های اختر و کرانیر – هرویگ (۲۰۱۹)، بارندریگت و همکاران (۲۰۱۵)، بریدین، فیلد و فرانسیس (۲۰۱۵)، مایان – بیللیک و دیمیر (۲۰۲۰) و چانگ و همکاران (۲۰۲۰) در متن پیش‌بینی بهزیستی هیجانی دانشجویان از طریق قضاوت‌های خودارزشیابانه آن‌ها، بر ظرفیت‌های تبیینی شیوه‌های مقابله با رخداد‌های تنیدگی‌زا تأکید کرد. در این بخش، نتایج همسو با مواضع مفهومی نظریه خودارزشمندی (کاوینگتن، ۲۰۰۹) و نظریه خودتعیین‌گری (دیزی و رایان، ۲۰۰۸؛ رایان و دیزی، ۲۰۲۰) نشان می‌دهد قضاوت‌های خودارزشیابانه (عزت نفس) و احساس خودارزشمندی در پیش‌بینی کنش‌وری دانشجویان در موقعیت‌های پیشرفت، از توان تبیینی انکارناپذیری برخوردار است. محققان مختلف کوشیده‌اند با تاسی از آموزه‌های مفهومی نظریه‌های خودارزشمندی و خودتعیین‌گری، ویژگی‌های کارکردی سازه عزت نفس را در متن تلاش دانشجویان برای پاسخ‌دهی به مطالبات زندگی تحصیلی آن‌ها مرور کنند (نواک و همکاران، ۲۰۲۱؛ استانیس لوسکی، ۲۰۱۹). در این بخش، نتایج نشان می‌دهد اساساً یادگیرندگان برخوردار از قضاوت‌های خودارزشیابانه، در مواجهه با تجارب چالش‌زای فرارو، به دلیل غنای کافی در سرمایه روانی خود، این تجارب فشارزا را تحت استیلای تفاسیر شناختی خودتوانمندساز<sup>۷</sup> در برابر تفاسیر شناختی خودناتوان ساز<sup>۸</sup> ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین چنین یادگیرندگانی بیشتر در معرض تجارب هیجانی مثبت هستند تا منفی (نورمحمدی، شکری و خدایی، ۱۳۹۹؛ وانستونی و هیکس، ۲۰۱۹؛ استینهارت و دالبیر، ۲۰۰۸). براین اساس، با توجه به مواضع مفهومی مدل‌های نظری خودارزشمندی و خودتعیین‌گری فرض می‌شود که یادگیرندگان دارای عزت نفس بالا در بستر اطلاعاتی بیش‌تجهیزشده‌گی خزانه مهارتی خود، در رویارویی احتمالی با تجارب انگیزاننده، چندان به اشکال‌سازش‌نیافته پاسخ‌دهی مانند خودسرزنشگری<sup>۱۰</sup>، دگرسرزنشگری<sup>۱۱</sup>، فاجعه‌پنداری<sup>۱۲</sup> و نشخوارگری<sup>۱۳</sup> رجوع نمی‌کنند و براساس شواهد، به‌سوی گزینشگری‌های سازش‌یافته پاسخ‌دهی مانند بازارزیابی مثبت<sup>۱۴</sup>، بازتمرکز مثبت<sup>۱۵</sup>، بازتمرکز بر برنامه‌ریزی<sup>۱۶</sup>، پذیرش<sup>۱۷</sup> و دیدگاه‌گیری<sup>۱۸</sup> تمایل نشان می‌دهند (سانجان و آویلا، ۲۰۱۹). براساس شواهد، بخش دیگری از واریانس نمرات پسایندهای

1. Comparative Fit Index (CFI)
2. Goodness of Fit Index (GFI)
3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
4. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
5. Stanislawski
6. psychological capital
7. empowering interpretations
8. disempowering interpretations
9. Steinhardt & Dolbier
10. self-blame
11. other-blame
12. catastrophizing
13. rumination
14. positive reappraisal
15. positive refocusing
16. refocus on planning
17. acceptance
18. putting into perspective

چندگانه قضاوت‌های خودارزشیابانه مانند هیجان‌های مثبت و منفی، از طریق راهبردهای نظم‌بخشی هیجانی<sup>۱</sup> افراد توضیح داده می‌شود (پدی، مانتیرا و چیلی، ۲۰۲۰).

در بخش دیگر، نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های براندو-گاریدا و همکاران (۲۰۲۰)، یلدیم و همکاران (۲۰۱۷) و نی و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد براساس نظریه‌های خودارزشمندی و خودتعیین‌گری به‌منظور تصریح ظرفیت‌های کنشی عزت‌نفس در پیش‌بینی کنش‌وری یادگیرندگان، توان اطلاعاتی سبک‌های مقابله با موقعیت‌های تنیدگی‌زا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بخش، با هدف تبیین ظرفیت‌های تفسیری سبک‌های مقابله در متن پیش‌بینی تجارب هیجانی مثبت و منفی یادگیرندگان از طریق سازه عزت‌نفس، دو ایده مفروض «بسط یا پرورش»<sup>۲</sup> و «توانمندسازی»<sup>۳</sup> اهمیت بسزایی دارد (شووارزر و کنول، ۲۰۰۷). براساس ایده بسط، قضاوت‌های خودارزشیابانه افراد از طریق تجارب حمایتی پیرامونی و گستراندن شبکه روابط بین‌فردی آن‌ها، ضمن بسط منابع مقابله‌ای افراد سبب می‌شود افراد در رویارویی با تجارب فشارزا، به کمک شیوه‌های انطباقی، خود را در برابر هیجان‌های منفی مصون سازند. براین اساس، برخی کیفیت‌های روانی مانند عزت‌نفس، با پروراندن منابع مقابله‌ای افراد و ترغیب آن‌ها به بهره‌گیری از روش‌های رویارویی کارآمد، به افراد کمک می‌کند به تجارب انگیزاننده مؤثرتر عمل کنند (هارنسترا و همکاران، ۲۰۲۰). در ایده مفروض توانمندسازی تأکید می‌شود که خودکارآمدی و عزت‌نفس، با مواجهه‌های انطباقی در مقابل رویارویی نانباقی، و فراخوانی هیجان‌های مثبت در برابر هیجان‌های منفی، در خودباوری فرد منشأ اثر واقع می‌شود. به بیان دیگر، ایده اصلی در فرضیه توانمندسازی این است که شیوه‌های مواجهه سازش‌یافته و وجه اطلاعاتی هیجان‌های مثبت، در خودباوری و احساس توانمندی فردی از نقش انکارناپذیری برخوردار است (آگیورلا، ۲۰۲۰؛ ماتا، گریتی و لانگ، ۲۰۱۹).

با آنکه نتایج این پژوهش، اطلاعات مهمی درباره کارکرد سبک‌های مقابله‌ای در پیش‌بینی پسایندهای بهزیستی هیجانی عزت‌نفس فراهم کرده است، برخی از محدودیت‌ها سبب می‌شود یافته‌ها قابل‌تعمیم نباشد. اول، این پژوهش دارای ماهیت مقطعی است؛ بنابراین طرح استنتاج‌های علی و معلولی براساس یافته‌های آن باید با احتیاط انجام شود. براین اساس، به محققان علاقه‌مند به این قلمرو پژوهشی پیشنهاد می‌شود با استفاده از یک طرح تحقیقاتی آینده‌نگر که در آن تمامی اندازه‌گیری‌های به‌عمل‌آمده از مفاهیم مختلف در فواصل زمانی متفاوت انجام می‌شوند، روابط علی بین سازه‌های روان‌شناختی چندگانه را در الگوی ساختاری مفروض آزمون شود؛ بنابراین، با هدف کسب اطلاع از تغییرپذیری یا عدم تغییرپذیری ویژگی‌های کارکردی مفاهیم منتخب در مدل مفروض، جمع‌آوری اطلاعات به کمک یک طرح تحقیق طولی پیشنهاد می‌شود. دوم، نتایج این پژوهش مانند بسیاری از مطالعات دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارشی به جای مطالعه رفتار واقعی ممکن است قابل‌اتکا نباشد؛ زیرا مشارکت‌کنندگان برای کسب تأیید اجتماعی، اطلاعات دقیقی به دست نداده باشند. به بیان دیگر، به‌منظور تأیید مقیاس‌های خودگزارشی، از مشاهده رفتار و دیگر شاخص‌های بالینی استفاده نشد. سوم، با توجه به آنکه نمونه‌های این پژوهش فقط از بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید بهشتی انتخاب شدند، تعمیم‌دهی ویژگی‌های کارکردی مفاهیم منتخب در مدل مفروض، نیازمند انتخاب گروه‌های نمونه دیگر نیز هست. چهارم، با توجه به ترکیب مفهومی انتخاب شده در مدل پیشنهادی و همچنین با توجه به فن آماری منتخب برای آزمون مدل مفروض، آزمون مدل‌های رقیب<sup>۴</sup> که ظرفیت اطلاع‌دهندگی پژوهش را افزایش می‌دهند پیشنهاد می‌شود. مطابق دیدگاه وستون و گوری<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) انتخاب گزینه مدل‌های رقیب در استفاده از معادلات ساختاری مانند مقایسه مدل واسطه‌مندی نسبی<sup>۶</sup> در برابر مدل واسطه‌مندی کامل<sup>۱۱</sup>، یک انتخاب توجیه‌پذیر است.

1. emotion regulation strategies
2. cultivation hypothesis
3. enabling hypothesis
4. Schwarzer & Knoll
5. Hornstra et al.
6. Ogurlu
7. Matta, Gritti, & Lang
8. testing alternative models
9. Weston & Gore
10. fully mediated model
11. partially mediated model

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر همسو با آموزه‌های مدل فرایندی مقابله نشان می‌دهد تلاش برای فهم ظرفیت‌های تفسیری شیوه‌های مواجهه با تجارب تنیدگی‌زا در متن تلاش دانشجویان برای پاسخ‌دهی به مطالبات زندگی تحصیلی آن‌ها نیازمند آن است که محققان در بستر مدلی با شمول عناصر پیشایندی و پسایندی و با اعتماد به فرایندی‌نگری، چنین دغدغه‌ای را دنبال کنند؛ بنابراین، براساس مدل فرایندی مقابله، تعقیب اصل واقع‌نگری در تحلیل مشخصه‌های کارکردی شیوه‌های مواجهه با تجارب تنیدگی‌زا مبتنی بر شمول رویکردی فرایندی است.

## ۵. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، ملاحظات اخلاقی شامل محرمانگی، رازداری، گمنام‌بودن مشارکت‌کنندگان و رضایت آگاهانه رعایت شد.

## ۶. سپاسگزاری

این پژوهش با حمایت مالی نویسندگان مقاله انجام شده و از هیچ محلی مشمول دریافت حمایت و پشتیبانی ریالی نبوده است. از تمامی مشارکت‌کنندگان عزیز که با حضور مسئولانه خود همراهان بودند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

## ۷. تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

## منابع

- رجبی، غ. و بهلول، ن. (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*. ۳۳-۴۸، (۲/۳).
- شکری، ا. و پورشهریار، ح. (۱۳۹۸). اثربخشی برنامه آموزشی غنی‌سازی مهارت‌های رابطه بین‌فردی بر اسنادهای علی، راهبردهای حل تعارض‌های بین‌فردی، مهارت‌های مقابله شناختی و ادراک از روابط مثبت با دیگران. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*. ۲۸۷-۳۰۸، (۵۹/۱۵). [https://jip.stb.iau.ir/article\\_666072.html?lang=fa](https://jip.stb.iau.ir/article_666072.html?lang=fa)
- شکری، ا.، گودرزی، ا. و شریفی، م. (۱۳۹۳). آزمون تغییرناپذیری عاملی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی در دو جنس. *دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر*. ۸۳-۹۴، (۱/۹). [https://bjcp.ir/browse.php?a\\_id=495&sid=1&slc\\_lang=fa](https://bjcp.ir/browse.php?a_id=495&sid=1&slc_lang=fa)
- محبی، س.، شکری، ا. و پورشهریار، ح. (۱۳۹۷). تأثیر برنامه تاب‌آوری بر ارزیابی‌های شناختی، مقابله و هیجان‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*. ۸۳-۹۹، (۵۷/۱۵). [https://jip.stb.iau.ir/article\\_545697.html](https://jip.stb.iau.ir/article_545697.html)
- محبی، س.، شکری، ا. و خدایی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل روان‌سنجی نسخه کوتاه سیاهه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا در دانشجویان. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۸۷-۱۱۳، (۴۰/۱۰). <https://doi.org/10.22054/jem.2020.40240.2025>
- نورمحمدی، ر.، شکری، ا. و خدایی، ع. (۱۳۹۹). رابطه بین جهت‌گیری‌های هدف پیشرفت، فرایندهای ارزیابی شناختی و هیجان‌ات پیشرفت در دانشجویان دختر و پسر: یک تحلیل میانجی‌گری تعدیل‌شده. *فصلنامه مطالعات آموزش و یادگیری*. ۱۸۰-۱۵۸، (۱/۱۲). <https://doi.org/10.22099/jsli.2020.5787>

## References

- Akhtar, M., & Kroener-Herwig, B. (2019). Coping styles and socio-demographic variables as predictors of psychological well-being among international students belonging to different cultures. *Current Psychology*, 38(3), 618–626. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s12144-017-9635-3>
- Barendregt, C. S., Van der Laan, A. M., Bongers, I. L., & Nieuwenhuizen, C. V. (2015). Adolescents in secure residential care: The role of active and passive coping on general well-being and self-esteem. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 24, 845–854. <http://dx.doi.org/10.1007/s00787-014-0629-5>

- Bouih, A., Benattabou, D., Nadif, B., Benhima, M., & Benfilali, I. (2022). The Rosenberg Self-esteem Scale: A confirmatory factor analysis study. *European Journal of Psychology and Educational Research*, 5(2), 143-160.
- Boysan, M. (2012). Validity of the Coping Inventory for Stressful Situations-short form (CISS-21) in a non-clinical Turkish sample. *Journal of Psychiatry & Neuroscience*, 25(2), 101–107.  
<https://dx.doi.org/10.5350/DAJPN2012250201>
- Brando-Garrido, C., Montes-Hidalgo, J., Limonero, J. T., Gómez-Romero, M. J., & Tomás-Sábado, J. (2020). Relationship of academic procrastination with perceived competence, coping, self-esteem and self-efficacy in nursing students. *Enfermería Clínica*, 30(6), 398-403.  
<https://doi.org/10.1016/j.enfcli.2019.07.012>
- Bryden, C. I., Field, A. M., & Francis, A. J. P. (2015). Coping as a mediator between negative life events and eudaimonic well-being in female adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 24, 3723–3733. <https://doi.org/10.1007/s10826-015-0180-0>
- Cabras, C., & Mondo, M. (2018). Coping strategies, optimism, and life satisfaction among first-year university students in Italy: gender and age differences. *Higher Education*, 75, 643–654.
- Calsbeek, H., Rijken, M., Bekkers, M. J. T. M., Henegouwen, G. P. V. B., & Dekker, J. (2006). Coping in adolescents and young adults with chronic digestive disorders: Impact on school and leisure activities. *Psychology and Health*, 21, 447–462.  
<https://doi.org/10.1080/14768320500410910>
- Chang, E. C., Yi, S., Liu, J., Kamble, S. V., Zhang, Y., Shi, B., ... & Chang, O. D. (2020). Coping behaviors as predictors of hedonic well-being in Asian Indians: Does being optimistic still make a difference? *Journal of Happiness Studies*, 21, 289–304.  
<https://link.springer.com/article/10.1007/s10902-019-00087-w>
- Chen, C. (2016). The role of resilience and coping styles in subjective well-being among Chinese university students. *Asia-Pacific Education Researcher*, 25, 377–387.  
<https://doi.org/10.1007/s40299-016-0274-5>
- Covington, M. (2009). Self-worth theory: Retrospection and prospects. In K. R. Wenzel & A. Wigfield (Eds.), *Handbook of motivation at school* (pp. 141–169). Routledge/Taylor & Francis Group. <https://www.routledgehandbooks.com/doi/10.4324/9780203839010.ch3>
- Deci, E., & Ryan, R. (2008). Self-determination theory and the role of basic psychological needs in personality and the organization of behavior. In O. John, R. Robins, & L. Pervin (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 1867–1938). New York: Guilford Press.
- Diener, E. (2006). Guidelines for national indicators of subjective well-being and ill-being. *Applied Research in Quality of Life*, 1, 151–157. <https://doi.org/10.1007/s11482-006-9007-x>
- Diener, E., Inglehart, R., & Tay, L. (2013). Theory and validity of life satisfaction scales. *Social Indicators Research*, 112, 497-527. <https://doi.org/10.1007/s11205-012-0076-y>
- Diener, E., Lucas, R., & Oishi, S. (2002). Subjective well-being: The science of happiness and life satisfaction. In C. Snyder & S. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 63–73). New York: Oxford University Press.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. (1999). *Coping Inventory for Stressful Situations (CISS): Manual Multi-Health Systems*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (2015). *CISS: Coping inventory for stressful situations*. <http://www.mhs.com/product.aspx?gr=cli&prod=ciss&id=resource>
- Evans, P., Martin, A. J., & Ivcevic, Z. (2018). Personality, coping, and school well-being: an investigation of high school students. *Social Psychology of Education*, 21(5), 1061–1080.  
<https://doi.org/10.1007/s11218-018-9456-8>

- Hornstra, L., Bakx, A., Mathijssen, S., & Denissen, J. J. A. (2020). Motivating gifted and non-gifted students in regular primary schools: A self-determination perspective. *Learning and Individual Differences, 80*, 101871. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2020.101871>
- Huang, J., Lin, K., Fan, L., Qiao, S., & Wang, Y. (2021). The effects of a self-compassion intervention on future-oriented coping and psychological well-being: A randomized controlled trial in Chinese college students. *Mindfulness, 12*, 1451–1458. <https://doi.org/10.1007/s12671-021-01614-8>
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practices of structural equation modeling* (2<sup>nd</sup> edition). New York: Guilford.
- Lazarus, R. (2006). *Stress and emotion: A new synthesis*. New York: Springer.
- Matta, M., Gritti, E. S., & Lang, M. (2019). Personality assessment of intellectually gifted adults: A dimensional trait approach. *Personality and Individual Differences, 140*, 21-26. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.05.009>
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2016). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. Sage publication. Thousand Oaks. London. New Dehi.
- Mohebi, S., Shokri, O., & Khodaei, A. (2020). Psychometric analysis of the Coping Inventory for Stressful Situations-Short Form (CISS-SF) among students. *Quarterly of Educational Measurement, 10*(40), 87-113. <https://doi.org/10.22054/jem.2020.40240.2025> (In Persian)
- Mohebi, S., Shokri, O., & Pourshahriar, H. (2017). The effect of resilience training program on cognitive evaluations, coping and emotions. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists, 15*(57), 83-99. [https://jip.stb.iau.ir/article\\_545697.html](https://jip.stb.iau.ir/article_545697.html) (In Persian)
- Muyan-Yılık, M., & Demir, A. (2020). A Pathway towards subjective well-being for Turkish university students: The roles of dispositional hope, cognitive flexibility, and coping strategies. *Journal of Happiness Studies, 21*, 1945–1963. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10902-019-00162-2>
- Ni, C., Liu, X., Hua, Q., Lv, A., Wang, B., & Yan, Y. (2010). Relationship between coping, self-esteem, individual factors and mental health among Chinese nursing students: A matched case-control study. *Nurse Education Today, 30*(4), 338–343. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2009.09.003>
- Nourmohammadi, R., Shokri, O., & Khodaei, A. (2020). Relationship between achievement goal orientations, cognitive appraisal processes and achievement emotions in male and female university students: A moderated mediation analysis. *Studies in Learning & Instruction, 12*(78), 158-180. <https://doi.org/10.22099/jsli.2020.5787> (In Persian)
- Novak, C. J., Chang, E. C., Xu, J., Shen, J., Zheng, S., & Wang, Y. (2021). Basic psychological needs and negative affective conditions in Chinese adolescents: Does coping still matter? *Personality and Individual Differences, 179*, 110889. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.110889>
- Ogurlu, U. (2021). A meta-analytic review of emotional intelligence in gifted individuals: A multilevel analysis. *Personality and Individual Differences, 171*, 110503. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110503>
- Padhy, M., Monteiro, S. R., & Chelli, K. (2020). Coping competence, mindfulness, and well-being of Indian adolescents. *Psychological Studies, 65*(4), 531–535. <https://doi.org/10.1007/s12646-020-00584-6>
- Rajabi, G., & Bohlool, N. (2007). Measuring the reliability and validity of the Rosenberg self-esteem scale in first-year students of Shahid Chamran University. *Journal of Psychological and Educational Researches, 3*(2), 33-48. (In Persian)
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory

- perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 8, 101860. <https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2020.101860>
- Sanjuán, P., & Ávila, M. (2019). The mediating role of coping strategies on the relationships between goal motives and affective and cognitive components of subjective well-being. *Journal of Happiness Studies*, 20, 1057–1070. <https://doi.org/10.1007/s10902-018-9987-x>
- Schwarzer, R., & Knoll, N. (2007). Functional roles of social support within the stress and coping process: A theoretical and empirical overview. *International Journal of Psychology*, 42(4), 243–252. <https://doi.org/10.1080/00207590701396641>
- Shokri, O., & Pourshahriar, H. (2019). The effectiveness of the enrichment of interpersonal relationship skills program on causal attributions, interpersonal conflict solution strategies, cognitive coping skills and perceived positive relations with others. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 15(59), 287-308. [https://jip.stb.iau.ir/article\\_666072.html?lang=fa](https://jip.stb.iau.ir/article_666072.html?lang=fa) (In Persian)
- Shokri, O., Goodarzi, A., & Sharifi, M. (2014). Testing for factorial invariance of the Farsi version of the Positive and Negative Affect Schedule across sexes. *Contemporary Psychology*, 9(1), 83-94. [https://bjcp.ir/browse.php?a\\_id=495&sid=1&slc\\_lang=fa](https://bjcp.ir/browse.php?a_id=495&sid=1&slc_lang=fa) (In Persian)
- Stanislowski, S. (2019). The Coping Circumplex Model: An integrative model of the structure of coping with stress. *Frontiers in Psychology*, 10, 694-704. <https://doi.org/10.3389%2Ffpsyg.2019.00694>
- Steinhardt, M. A., & Dolbier, C. L. (2008). Evaluation of a resilience intervention to enhance coping strategies and protective factors and decrease symptomatology. *Journal of American College Health*, 56(4), 445-453. <https://doi.org/10.3200/jach.56.44.445-454>
- Van Dijk, F. A., Schirmbeck, F., Boyette, L. L., & de Haan, L. (2019). Coping styles mediate the association between negative life events and subjective well-being in patients with non-affective psychotic disorders and their siblings. *Psychiatry Research*, 272, 296-303. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2018.12.020>
- Vanstone, D. M., & Hicks, R. E. (2019). Transitioning to university: Coping styles as mediators between adaptive maladaptive perfectionism and test anxiety. *Personality and Individual Differences*, 141, 68–75. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.12.026>
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS Scale. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(6), 1063-1070. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.54.6.1063>
- Weston, R., & Gore, Jr. P. A. (2006). A brief guide to structural equation modeling. *Journal of Counseling Psychology*, 34(5), 719-751. <http://dx.doi.org/10.1177/0011000006286345>
- Yıldırım, N., Karaca, A., Cangur, S., Acıkgöz, F., & Akkus, D. (2017). The relationship between educational stress, stress coping, self-esteem, social support, and health status among nursing students in Turkey: A structural equation modeling approach. *Nurse Education Today*, 48, 33–39. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2016.09.014>